

# سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)

(قسمت اول)

رقیه محمدی پرفکر

مباحثات سازنده و مذاکراتی که بتواند نتیجه بخش باشد، مهیا ساخت. از همین روست که می‌بینیم با وجود اختلاف نظر اعضا پیرامون موضوع مهمی نظیر پیش بینی سطح تولید اوپک به عنوان یک مسئله در خصوص توافق جمعی، دیگر چون سال‌های پیش حجم دقیق‌تر تولید اوپک در حال و آینده عراق بسیاری از تحلیلگران و معامله‌گران چندان مایه نگرانی نبود و نیست. به عبارت بهتر، شرایطی پیش آمد که دیگر شرط بندی بر سر نتایج کنفرانس‌های اوپک و مباحث طرح شده در آن به عنوان نوعی قمار تلقی نمی‌شد. با وجود این، تحلیلگران پیش بینی روند قیمت‌ها را براساس توافق‌های اوپک چندان هم بی‌خطر نمی‌دانستند و هنوز هم قطعی نمی‌دانند. بهرحال، آنچه را که می‌توان به عنوان دستاورد مهم و ارزنده اجلاس اخیر به حساب آورد، همین توافق عمومی است که می‌تواند به عنوان دستاورد مهم و ارزنده اجلاس اخیر به حساب آورد. همین توافق عمومی است که می‌تواند برترین تضمین برای اجرای مصوبات این سازمان باشد.

چیزی که اوپک اکثراً در دستیابی بدان به طور کامل ناموفق بوده است و از نداشتنش رنج برده است. بنابراین، عدم همراهی برخی اعضا در این همسویی بدون تردید اتحاد کل اوپک را خدشه دار خواهد ساخت و این موضوع با توجه به ساختار کنونی و آینده بازار جهانی نفت و گاز تولیدکنندگان غیراوپک و حتی اوپک و تمرکز نگاه تمامی کشورهای صنعتی یا رو به رشد به بخش محدودی از خاورمیانه که ثروتی گرانبها را در خود ذخیره دارد، بسیار اهمیت می‌یابد. (شماره ۲۵۰ آذرماه ۱۳۶۸ - پیک نفت)

انقلاب اسلامی در منطقه خاورمیانه می‌رفت تا با قدرت و شهامت بیش‌تری تصمیمات خود را اتخاذ کند و در نتیجه، با مصوباتی هماهنگ و کارا به بخشی از اهداف خود دست یابد، اما گسترش دامنه جنگ در مرکز التهابات جهانی (خلیج فارس) و دخالت و شراکت چند جانبه عمده‌ترین تولیدکنندگان نفت در این درگیری‌ها و کشاندن موضعگیری‌های خصمانه و تشنجات سیاسی به درون سازمان از سوی بعضی اعضا و تیز کردن آتش این خصومت‌ها توسط قدرت‌های نافوذ موجب شد که دستاورد مثبت سال‌های ۸۰-۸۴ بر باد رود و حتی برخی کشورهای عضو دانسته یا نادانسته آخرین و تنها شانس خود را نیز در جهت تضعیف مواضع خویش به کار گیرند.

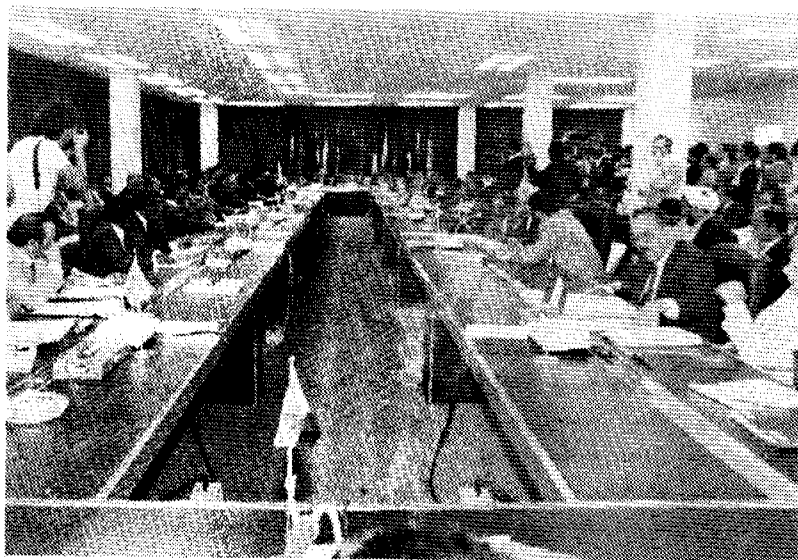
بحران نفتی ۱۹۸۶ و به صدا درآمدن زنگ خطر، باردیگر تمامی اعضا را متوجه وخامت اوضاع ساخت. به گونه‌ای که کمیته نیمه فعال استراتژی دراز مدت اوپک فعالیت‌های خود را به منظور رساندن نظرات کلیه تولیدکنندگان عضو به یک نقطه مشترک از سر گرفته، آن را تشدید کرد. اگر حتی به این فعالیت‌ها و روش‌های اتخاذ تصمیمات به دیده خوشبین و با نظری مساعد بنگریم، نمی‌توان تلاش‌های آن زمان را نتیجه بخش و سودمند دانست. چرا که نه برصعود قیمت‌ها تأثیری داشت، نه عامل موثری برای جلوگیری از تخلفات به حساب می‌آمد و نه درصد قیمت پیش‌بینی‌ها را افزایش می‌داد. اما برقراری ناگهانی آتش پس در جنگ ایران و عراق و بازگشت آرامش قابل انتظار به منطقه، یکباره کنفرانس‌های اوپک را از جنجال‌های چندساله دور کرد و فضا را برای

اوپک: امیدواری‌های تازه سازمان بیست و نه ساله اوپک به دنبال یک دوران فترت سرانجام در هشتاد و ششمین اجلاس ویژه خود حرکت سازنده و مهمی را در جهت حفظ و بقاء و ثبات ستون‌های بیا دارنده این سازمان، آغاز کرد که علیرغم پیش‌بینی قبلی آن از سوی ناظران و کارشناسان نفتی، قدری مایه شگفتی شد، زیرا فراز و نشیبهای سیاسی - اقتصادی سال‌های اخیر به ویژه در فاصله سال‌های ۸۸-۸۰ آن چنان اثرات دامنه داری بر روی مناسبات کشورهای عضو این سازمان گذاشته بود که حصول یک توافق همه جانبه و امیدوارکننده را برای اعضا حداقل در سال‌های نزدیک بعید و نامحتمل به نظر می‌رسید، اما بازگشت ثباتی نسبی به بازار جهانی نفت پس از خاتمه جنگ ایران و عراق و مهم‌تر از آن عدم تأثیر شدید و قابل توجه نوسانات نفتی داخل یا خارج از اوپک بر روی قیمت نفت نشان داد که حلقه مفقوده این سال‌ها به جایگاه اولیه خود بازگردانده شده است و این سازمان تصمیم گرفته است با هماهنگی در طریق دستیابی به نظم و توافق از دست شده خویش گام بردارد.

اوپک از ده سال پیش به این طرف در دو زمینه عمده به تلاش پرداخته است. نخست، تعیین یک استراتژی دراز مدت در زمینه میزان قیمت و سقف تولید این سازمان، و دوم، بکار بستن روش‌هایی خاص و ثمر بخش به منظور تحصیل قیمت واقعی نفت.

اگرچه این سازمان در طول سالیان گذشته به دلیل وقایعی چون ظهور پدیده دگرگون‌ساز

«اتحادیه عرب» از زمان تأسیس در ۱۹۴۵ اندیشه ایجاد اتحادیه نفتی کشورهای عربی را در سر می‌پرورانید، اما واضح بود که چنین گروهی به خودی خود قدرت کافی در دست نداشت.



## تاریخچه اوپک

در ۱۹۴۸ دولت آمریکا به عنوان يك وارد کننده نفت عمل می‌کرد و طرح‌های اصلاحات بعد از جنگ نیازمندی شدید روز افزون به مواد نفتی را به دنبال داشت. بنابراین، مقدار نفت تولیدی جهانی که وارد بازارهای بین‌المللی می‌شد، بلافاصله پس از جنگ از ۱۶/۵۴ درصد به ۲۵/۵۴ درصد افزایش یافت. این رقم نماینده ۲/۴ میلیون بشکه در روز است که ۱/۳ میلیون بشکه آن از ونزوئلا و يك میلیون آن از خاورمیانه به دست می‌آمد.

نیازمندی‌های نفتی جهان به سرعت فزونی یافت. شرکتهای بزرگ نفتی مصمم شدند برای تأمین این نیازمندی‌ها سیریمما به توسعه منابع نفتی خاورمیانه که ذخایر آن فراوان و هزینه‌های عملیاتی در آنجا کم بود، بپردازند. بدین ترتیب در ۱۹۵۰ برای اولین بار میزان تولید منطقه خلیج فارس که بالغ بر ۶۳۰ میلیون بشکه می‌شد، از تولید ونزوئلا (۵۴۷ میلیون بشکه) تجاوز کرد. شرکت‌های بزرگ نفتی امیدوار بودند که افزایش تولید خاورمیانه برای ونزوئلا که سیاست تحمیل تعهدات مالی سنگین‌ترش بر شرکت‌های عامل پیوسته استوارتر می‌شد، در حکم اعلان خطری باشد.

اما این تهدید باعث تغییراتی در روش دولت ونزوئلا نشد و مصمم گردید که با کشورهای صادر کننده نفت در خاورمیانه از در دوستی در آید تا در منطقه‌ای که اهمیتش رو به فزونی بود، به جای رقیبان، متفقانی داشته باشد. کشور مزبور بدو در ۱۹۴۹ سیاست برقراری تماس و ترتیب مبادله منظم اطلاعات را با کشورهای تولید کننده خاورمیانه در پیش گرفت. در این اثنا، کشورهای اخیر به سهم خود به لزوم تشکیل جبهه متحدی برای پشتیبانی از منافع خود آگاهی یافتند.

پایان جنگ جهانی دوم شاهد آغاز يك دوره گسترش و دگرگونی اساسی در سیمای صنعت نفت بین‌المللی بود. تغییرات وسیعی در تمام عوامل مؤثر و توسعه این صنعت رخ داد. با پیشرفت عملیات اکتشافی در منطقه فلات قاره، امکانات کشف میدان‌های نوین به طور قابل ملاحظه‌ای رو به فزونی گذاشت. مهارت فنی تا حدود بسیار ترقی کرد و تازه واردانی با به صحنه بین‌المللی نهادند و با شرکت‌های پای برجای صاحب امتیاز به رقابت برخاستند. تقاضای نفت و در نتیجه، تولید آن به سرعت رو به افزایش نهاد. در کشورهای تولید کننده در حال توسعه بین سیاستمداران و بیش از پیش در بین تمام افراد جامعه ابراز علاقه روزافزونی به مسایل صنعت نفت آغاز شد. جریانات گوناگون مزبور در يك زمان در نیمکره های خاوری و باختری روی داد. در نیمکره باختری دولت امریکا مقام برجسته خود را در صادرات مواد نقش از دست داد و به صورت وارد کننده عمده نفت درآمد. ونزوئلا برای برقراری نظارت بر شرکت‌های نفتی بیگانه و بهبود مقررات مالی امتیاز نامه‌های آنها، شدیداً به مبارزه برخاست ایران دست به ملی کردن صنعت نفت زد، و در زمانی کوتاه سازمان نفتی شایسته‌ای برپا کرد. عراق در مذاکرات خود با «شرکت نفت عراق» تجربیات بسیار آموخت.

اندیشه لزوم ایجاد و برانگیختن آگاهی در باره موضوعات نفتی از يك سو، و برکنار نگاهداشتن مسایل نفتی از محیط سیاسی از سوی دیگر تقویت شد. در عربستان سعودی شوق فرا گرفتن مسایل اقتصادی در ضمن سایر موضوعات آشکار شد. و انتشار مقالاتی در این باره در روزنامه‌های محلی آغاز شد که مبین روح تجسس و واقع‌بینی بود.

برای اینکه اتحادیه مزبور مؤثر واقع شود، باید کشورهای غیر عربی به ویژه ایران و ونزوئلا که صادرات نفتی زیاد دارند در آن وارد می‌شدند. بنابراین، هنگامی که در آوریل ۱۹۵۹ اولین کنگره نفتی عرب در قاهره تشکیل شد، از نمایندگان کشورهای مزبور به عنوان ناظر دعوت به عمل آمد. در حالی که در تالار کنفرانس این کنگره فقط در باره موضوعاتی که با منافع کشورهای عرب ارتباط داشت. (یعنی تأیید ایجاد شرکت‌های ملی عرب، با مشارکت کشورهای عربی در عملیات نفتی) به بحث می‌پرداختند، در گوشه و کنار در باره امکان ایجاد سازمانی که تمام کشورهای تولید کننده عرب و غیرعرب در آن شرکت کنند، تبادل نظرهایی می‌شد، و نمایندگان کشورهای مهم تولید کننده در این مشاوره‌ها شرکت داشتند. بانیان اصلی این ابتکار شیخ عبدالله طریقی از عربستان سعودی و برزالفونسو از ونزوئلا بودند. نتیجه این گفتگوهای خصوصی تهیه قرارداد شرافتی سری شد که به امضای هیئت‌های نمایندگان کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران و ونزوئلا رسید. مباحثات شهر قاهره و اصولی که در قرارداد شرافتی سری مقرر شد، نخستین هسته ایجاد سازمان کشورهای صادر کننده نفت به شمار می‌رود.

برزالفونسو و شیخ عبدالله طریقی با حصول این توافق در ماه ۱۹۶۰ اعلامیه‌ای صادر کردند و از تمام کشورهای تولید کننده مصرأ خواستند که برای تأمین دفاع از منافعشان سیاست مشترکی اتخاذ کنند. معهداً پنج ماه بعد، یعنی در اوت ۱۹۶۰ شرکت‌ها بدون مشورت با کشورهای تولید کننده نفت، قیمت نفت خام را کاهش دادند. این اقدام همان‌طور که انتظار می‌رفت، بر نگرانی کشورهای اخیر الذکر که از سال‌ها پیش احساس می‌شد، افزود. مثلاً در مورد ایران در ظرف هیجده ماه بهای نفت خام در هر بشکه ۲۶ سنت یا در حدود ۱۳ درصد کاهش یافت و در کشورهای تولید کننده در خاور میانه کاهش قیمت ماه اوت ۱۹۶۰ جمعا موجب ۹۳ میلیون دلار زیان در سال ۱۹۶۰ شد. نظریاتی که سرانجام هنگام تأسیس اوپک ابراز شد از سال‌ها پیش در شرف بروز بود. اما کاهش قیمت در اوت ۱۹۶۰ به آن شکل قطعی بخشید، کاهش که ممکن است آخرین تقلیلی باشد که شرکت‌ها در میزان قیمت‌ها با ترتیبی که در آن زمان برقرار بود، بدهند.

این اقدام از جانب شرکت‌ها به زودی موجب

ابراز واکنش شدید کشورهای عمده تولید کننده شد.

در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ دولت عراق از ایران، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا دعوت کرد تا در بغداد گرد آمده، درباره کاهش مداوم و یکجانبه قیمت نفت به مذاکره بپردازند بدیهی است کنترل قیمت نفت خام یعنی تنها منبع درآمد کشورهای عمده تولید کننده نفت، در واقع حق مشروع این کشورها محسوب می شد. علاوه بر این، کنفرانس بغداد موافقت کرد که یک تشکیلات دائمی تحت عنوان سازمان کشورهای صادر کننده نفت (OPEC) و دبیرخانه‌ای مستقل برای آن تاسیس گردد.

طی دومین کنفرانس اوپک که در اواسط ژانویه ۱۹۶۱ در کاراکاس تشکیل شد، قطر به عنوان ششمین عضو اوپک پذیرفته شد. در این کنفرانس همچنین ژنو به عنوان محل دبیرخانه سازمان تعیین شد و بودجه و تشکیلات آن به تصویب رسید.

در ۱۹۶۵ مقر سازمان به وین منتقل شد و نخستین اجلاس هیئت رئیسه دبیرخانه اوپک در مه ۱۹۶۱ با هدف‌های زیر تشکیل شد:

- ۱- مطالعه و بررسی وضعیت سوآوری کمپانی‌های نفتی از حمل عملیاتشان در کشورهای عضو اوپک.
- ۲- مطالعه اختلافات موجود در قراردادهای منعقد شده بین کشورهای عضو و کمپانی‌های نفتی.
- ۳- مطالعه و بررسی قیمت‌های متداول نفت در سطح جهانی.
- ۴- مطالعه برای یافتن معیارهایی که از طریق آنها بتوان منافع ملی کشورهای عضو اوپک را حفظ کرد.

همان طوری که اشاره شد، در بدو تأسیس اوپک تنها پنج کشور از میان کشورهای در حال توسعه به عضویت آن درآمدند و در آن زمان تقریباً همه کشورهای جهان سازمان مزبور را بی اهمیت تلقی می کردند. اما امروزه اوپک دارای ۱۳ عضو از میان

تولید نفت خام جهان مقیاس: هزار بشکه در روز

قاره	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱
آمریکای شمالی	۹۹۹/۵	۹۹۲/۸	۹۷۸/۵
آمریکای لاتین	۶۰۷۲/۱	۶۲۰۱/۴	۵۹۳۹/۸
اروپای غربی	۳۴۴۰	۳۰۵۲/۷	۲۶۷۹
خاور میانه	۱۱۱۳۸/۸	۱۲۸۱۶/۹	۱۵۶۱۵/۳
آفریقا	۴۵۰۵	۴۴۳۰/۶	۴۶۷۹/۵
آسیا خاور دور	۲۳۷۳/۷	۲۲۷۴/۷	۲۳۷۱/۲
اقیانوسیه	۴۳۲/۱	۳۸۹/۱۱	۳۷۳/۳
کشورهای کمونیستی	۱۴۸۱۵/۸	۱۴۶۵۷/۹	۱۴۵۸۹/۲
کل جهان	۵۲۷۷۷	۵۳۷۵۱/۳	۵۶۰۲۷/۸
اوپک	۱۶۹۸۸/۷	۱۹۰۰۴/۲	۲۲۵۹۸/۷
در صد اوپک	۳۲/۲	۳۵/۴	۴۰/۳
کل جهان آزاد	۳۷۹۶۱/۲	۳۹۰۹۳/۴	۴۱۴۳۸/۶
درصد اوپک	۴۴/۸	۴۸/۶	۵۴/۵

مهم‌ترین صادرکنندگان نفت جهان بوده، جای حساس را در مبادلات اقتصادی جهان کسب کرده است.

اعضاء اوپک عبارتند از:

- در امریکای لاتین: ونزوئلا، اکوادور.
- در آفریقا: لیبی، الجزایر، گابن، نیجریه.
- در خاور میانه و آسیا: عربستان، عراق، کویت، قطر، امارات متحده عربی ایران، اندونزی.
- در حال حاضر سیاست‌های بلندمدت نفتی، کوششی برای افزایش یکپارچگی کشورهای در حال توسعه جهان و نیز وادار کردن کشورهای صنعتی به منظور همکاری در زمینه ایجاد یک سیستم بهم پیوسته و متعادل اقتصاد جهان مورد توجه اوپک قرار گرفته است. مروری کوتاه بر مباحثات، جلسات و کنفرانس‌های اوپک نشان می‌دهد که این پیشرفت‌ها به طور تدریجی و همراه با پشتکار اعضا حاصل شده است. اگر چه در مسیر کسب حقوق طبیعی و مشروع این سازمان، برخی از کشورهای ارتجاعی و وابسته عضو اوپک اغلب نقش تخریبی و منفی داشته‌اند (نظیر عربستان سعودی، امارات متحده عربی) لکن می‌توان گفت اوپک طی دو دهه اخیر از طریق اقدامات و فعالیت‌های خود در کمیته‌های تخصص و نشست‌های دوره‌ای در تشخیص و طبقه‌بندی مسایل و مشکلات موجود و ارائه راه‌حل‌های مناسب تا حدود زیادی موفق بوده است.

### ظرفیت تولید

یکی از نتایج بدست آمده از مطالعاتی که از ۱۹۷۹ به بعد صورت گرفته است، در مورد ظرفیت تولید در کشورهای اوپک است که بر اساس آنها ظرفیت تولید این کشورها از ۳۹ میلیون بشکه در روز به ۲۵ میلیون بشکه در روز کاهش داشته است. و این نمایانگر یک کاهش ۳۶ درصدی است. دلیل اصلی کاهش را می‌توان در کاهش سرمایه‌گذاری ها، استهلاک تاسیسات نفتی و عدم تمایل دولت های کشورهای مورد نظر در قبول هزینه بیش تر جهت داشتن ظرفیت تولید بیش تر جستجو کرد. بیش ترین کاهش در ظرفیت تولید نفت خام اوپک را می‌بایستی در میان کشورهای خلیج فارس مانند ایران ۶۰ درصد عربستان ۶۰ درصد کویت ۴۸ درصد در صد کاهش و بالاخره عراق ۳۸ درصد کاهش جست و جو کرده بجز ونزوئلا که توانسته ظرفیت تولید خود را طی این دوره زمانی (۱۹۷۹-۱۹۸۸) ۴ درصد افزایش دهد، مابقی کشورهای اوپک کم و بیش با کاهش ظرفیت تولید رو به رو بوده‌اند. با توجه به نیازهای آتی جهانی برای نفت که در گزارش برآوردی از رشد ظرفیت تولیدی کشورهای اوپک تا سال ۲۰۰۰ ارائه شده است (به صورت

حداکثر ظرفیت قابل تداوم در تولید نفت خام) به منظور در نظر گرفتن حداکثر قابل تداوم در تولید نفت خام بدون لطمه زدن به ذخایر نفتی ادامه یابد و اینکه برداشت جاری از حوزه های نفتی منجر به تداوم عمر چاه لااقل برای یک دوره زمانی مثلا ۲۰ الی ۳۰ ساله شود است. بدین ترتیب حداکثر ظرفیت تولید این کشورها در ۱۹۹۰ معادل ۲۹ میلیون بشکه در روز و در سال ۲۰۰۰ معادل ۳۴ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

طبیعتا نمی توان فرض کرد که کشورهای مذکور با حداکثر ظرفیت تولید خود نفت تولید کنند. برخی از کشورهای عضو اوپک همواره یک سقف تولید برای خود در نظر گرفته اند. از طرف دیگر، گروه بیش تری از کشورهای عضو سعی دارند که سود حاصل از برداشت این ماده غیر قابل جبران را افزایش دهند. سال گذشته تولید نفت خام اکثر اعضا اوپک در سطحی پایین تر از سطح مطلوب قرار داشت و این درحالی بود که سطح تولید مورد نظر و ترجیحی معادل ۲۱/۵ میلیون بشکه در روز و میزان واقعی تولید معادل ۱۱ میلیون بشکه در روز بود. برآورد می شود که سطح تولید ترجیحی در ۱۹۹۰ معادل ۲۳ میلیون بشکه در روز باشد (این درحالی است که ظرفیت تولید برآورد شده این کشورها در همان سال معادل ۲۹ میلیون بشکه در روز خواهد بود) در حالی که در سال ۲۰۰۰ همین رقم به ۳۰ میلیون بشکه در روز خواهد رسید

در این سال ظرفیت تولید این کشورها معادل ۳۴ میلیون بشکه در روز خواهد بود. اگر قبول کنیم که تقاضا برای نفت (نفت اوپک در سطحی معادل سطوح تولید ترجیحی برای سال های ۱۹۹۰ و یا ۲۰۰۰ قرار داشته باشد) در نتیجه، فشارهای جانبی جهت افزایش قیمت نفت خام (بدون توجه به ظرفیت واقعی تولید) بسیار زیاد خواهد بود.

به هر حال، اگر تقاضا برای نفت خام اوپک به مراتب در سطحی کم تر از میزان تولید ترجیحی قرار گیرد، می توان انتظار داشت که قیمت ها در آینده در سطحی نه بیش تر از آن چیزی که امروز قرار دارند قرار گیرند. از آنجا که عوامل زیادی بر روی سطح قیمت های نفت خام تاثیر دارند، بنابراین نمی توان انتظار داشت که چشم انداز آتی قیمت ها کاملا روشن باشد.

**تولید، صادرات و پالایش نفت اوپک**  
تولید نفت خام اوپک در ۱۹۷۸ به طور متوسط حدود ۲۹/۸ میلیون بشکه در روز بوده که در ۱۹۷۹ با اندکی افزایش به ۳۰/۹ میلیون بشکه در روز رسید. اما تولید اوپک در دهه هشتاد به طور قابل ملاحظه ای پایین آمده به طوری که متوسط روزانه

آن در سال های ۸۲-۱۹۸۱ به ترتیب ۲۲/۶ و ۱۸/۹ میلیون بشکه رسید.

به موازات کاهش تولید اوپک صادرات نفتی آن نیز در سال های ۸۲-۱۹۸۰ به تدریج تقلیل یافت و از رقم ۲۴/۹ میلیون بشکه در روز در ۱۹۸۰ سرانجام به ۱۶/۴ میلیون بشکه در روز در ۱۹۸۲ محدود شد. به عبارت دیگر، سهم اوپک در کل صادرات نفتی جهان از ۷۸ درصد در ۱۹۸۰ به ۶۴ درصد در ۱۹۸۲ کاهش یافت.

با اینکه اوپک در سال های اخیر بین نصف تا ثلث تولید نفت خام جهان را در اختیار داشت، مع الوصف سهم این سازمان در ظرفیت پالایش جهان بسیار جزیی بود زمانی که دارایی های شرکت های نفتی در کشورهای تولید کننده نفت از سوی کشورهای اوپک ملی شد، خود به خود ارتباط پوسته سنتی موجود بین فعالیت ها بالا دستی و پایین دستی نیز به طور جدی لطمه وارد آمد و بی ثباتی شدید سال های ۱۹۸۰ پیامد طبیعی این روند بود.

در رابطه با زیر سوال بردن نیروهای موجود در بازار، اوپک قیمت نفت خام تولیدی خود را از حدود ۲ دلار برای هر بشکه به بیش از ۲۵ دلار برای هر بشکه ترقی داد. تنها بعد از تقویت موضع نیروهای موجود در بازار بعد از شش سال قیمت نفت به زیر ۱۰ دلار در هر بشکه کاهش یافت. در نتیجه، افزایش اولیه قیمت نفت در دهه ۱۹۸۰ تقاضا برای نفت از ۶۴/۵ میلیون بشکه در روز در ۱۹۷۹ به ۵۸ میلیون بشکه در روز در ۱۹۸۲ کاهش یافت و تنها در سال ۱۹۸۸ به ۶۳/۲ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. این بی ثباتی به تمام طرفین درگیر در بازار لطمه وارد کرد. در آمد کشورهای عضو از ۲۸۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۷۵ میلیارد دلار در ۱۹۸۶ سقوط کرد و همین رقم در سال گذشته به ۹۸ میلیارد دلار بالغ شد.

به هر حال، به تدریج نیروهای اقتصادی موجود در بازار موجب پیدایش سطح قابل قبول و عقلایی تر قیمت ها شدند. و این در حالی بود که دول تولید کننده نفت در طول این سال ها درس های مفیدی از تجربیات گذشته خود گرفتند.

در طول هجده ماه گذشته، شاهد رشد آرام تفاهم مشترک بین اوپک و کشورهای تولید کننده مستقل نفت یا غیر عضو اوپک بودیم. که این رشد تفاهم موجب تقویت آرام و یکنواخت قیمت نفت به سوی قیمت عقلایی پایه و مورد هدف ۱۸ دلار برای هر بشکه - که مورد نظر اوپک است - شده است. در همان زمان پیوندهای جدیدی بین شرکت های ملی نفت کشورهای عضو اوپک با شرکت های نفتی بین المللی برقرار شد. این تحولات نمایانگر شکفتن امیدها به چشم انداز و دورنمای بهتر و مناسب تر است. تحلیل گران

خوش بین مسایل نفتی بر این باور هستند که افزایش مداوم رشد جمعیت در جهان همراه با رشد اقتصادی ملایم و یکنواخت کشورها از جمله عوامل تهیج کننده رشد مصرف نفت هستند. هر چند که سهم نفت در کل مصرف انرژی جهان، انتظار می رود که به سطح ۴۶ درصد کاهش یابد، به ویژه به دلیل رقابت رو به افزایش دیگر منابع انرژی از قبیل ذغال سنگ، گاز طبیعی و انرژی هسته ای، با این حال انتظار می رود که میزان مصرف نفت در جهان از رقم ۵۱ میلیون بشکه در روز، یعنی رقم فعلی آن را به رقم ۵۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۰ افزایش یابد. بیش از نیمی از این افزایش مصرف را کشورهای در حال توسعه به خود اختصاص خواهند داد.

طبق آخرین تشریحات اماری جهان جمع ذخائر اثبات شده نفت خام جهان بالغ بر ۸۹۱ میلیارد بشکه است که ۶۷۶ میلیارد بشکه آن یعنی حدود ۳/۴ کل نفت جهان در اختیار ۱۳ کشور عضو اوپک و اندکی کم تر از دو سوم ذخائر ثابت شده نفت خام جهان در اختیار کشورهای منطقه خلیج فارس است.

از طرفی اگر سطح استخراج و صادرات نفت در وضع کنونی ادامه یابد، پیش بینی می شود که بین ۱۵ تا ۲۰ سال آینده دیگر هیچیک از کشورهای صادر کننده نفت به جزها کشور حوزه خلیج فارس و مکزیک و ونزوئلا نفتی برای صدور نخواهند داشت. در حالی که کشورهای حوزه خلیج فارس قادرند بین ۸۰ تا یکصد سال آینده در حد صادرات کنونی، نفت صادر کنند.

اگر اروپا در حال حاضر نزدیک به ۵۰ درصد نفت واردات خود را از کشورهای حوزه خلیج فارس وارد می کند و برای ژاپن این رقم نزدیک به ۶۵ درصد است، با کاهش تولید دریای شمال و نیز سایر کشورهای غیر اوپک، این وابستگی از سال ۲۰۰۰ مسلماً بیش تر خواهد شد و به بیش از ۸۰ درصد خواهد رسید.